

## امان از ساده‌سازی



محمد امین ایمانجانی  
مدیر مسئول

سرمقاله

جمع محترم و دلسوزی روز جمعه یاد غم‌خیز معیشت و سفره مردم دور هم جمع شده‌اند. آنچه برون داد این جلسه بوده این گزاره است؛ به راحتی می‌توان دلار هشتاد هزار تومانی را ارزان کرد و به قیمت ۲۰ هزار تومان رساند. طبیعی است که هیچ‌کس با قیمت فعلی و نجومی ارز موافقتی ندارد و هر تندی که بتواند اندکی قیمت را پایین بیاورد، موجب خوشحالی خواهد بود؛ اما متأسفانه اجماع کم نظیری بین اقتصاددانان وجود دارد که صورت مسئله به این سادگی نیست و این فرایند نیازمند اصلاحات ساختاری، مدیریت توم، افزایش درآمد‌های ارزی و مواردی از این دست است که شدنی اما بسیار زمان‌بر و نیازمند زیرساخت‌هایی است که برخی از آن‌ها فراهم نیستند. درباره دلایل فنی رد این ادعا کارشناسان متخصص هم در این روزنامه هم در جاهای دیگر بحث کرده‌اند و قصد این نوشتار تفصیلی موضوع در این خصوص نیست. در اینجا بیشتر می‌خواهیم در مورد آثار اجتماعی و سیاسی طرح چنین گزاره‌ای صحبت کنیم.

مسئله اولی که پیش می‌آید این است که این عدد ۲۰ هزار تومان از کجا آمده؟ و اگر می‌شود به این راحتی قیمت ارز را یک چهارم کرد، چاره یکباره مثلاً یک دهم یا یک بیستم نکنیم تا همه احاد ملت را از نگرانی نجات دهیم و یک نوبل اقتصاد هم برای کشور به ارمغان بیاوریم؟ متأسفانه طرح این ادعا بدون توضیح سازوکار آن فقط موضع حامیان شوک درمانی یا تقویت می‌کند و موجب استهزای حکمرانی عدالتخواهانه می‌شود. وقتی هیچ توضیح مستدلی ارائه نشود، عده‌ای به تمسخر، دوا حل برای این موضوع ارائه کردند؛ یکی اختراع ماشین زمان و بازگشت به حداقل ۱۰ سال قبل و دیگری برداشتن چند صفر از پول ملی. مسئله دوم، تصویر ساده‌سازانه‌ای است که از حکمرانی ارائه می‌دهیم. اینکه طوری تصویرسازی کنیم که در نهان خانه حکمرانی دکمه‌ای وجود دارد که با فشار دادن آن قیمت ارز یک چهارم می‌شود؛ اما هیچ‌کدام از دولت‌ها تاکنون آن را فشار ندادند، تمسخر حکمرانی نیست؟ این چه دکمه‌ای است که از دولت نوبت‌بیرال روحانی تا دولت حزب الهی شهید رئیسی تا دولت پزشکیان، نتوانسته‌اند آن را پیدا کنند و فشار بدهند تا اقتصاد کشور از این وضعیت خارج شود و یک‌بار از پول ملی ۴ برابر شود؟ آیا همه وزرایی که این دولت‌ها داشته‌اند نسبت به وجود چنین دکمه‌ای جهل داشته‌اند یا دکمه را پیدا کرده بودند؛ اما به سبب تضاد منافع آن را فشار نمی‌دادند؟ کمی به این تصویری که می‌سازید از دور نگاه کنید، زیادی خنده‌دار نیست؟

مسئله سوم، اثر تندی است که این دست گزاره‌ها برای مخاطبان خصوصاً مخاطب حزب الهی دارد. تصویری که ساخته می‌شود این است؛ خیلی از مسائل، پیش پا افتاده و سطحی‌اند و می‌توان خیلی خیلی ساده حلشان کرد. در چشم به هم زدن می‌توان اقتصاد را درست کرد، با یک حرکت می‌توان رژیم صهیونیستی را شکست داد و آمریکا را از منطقه بیرون کرد. به سادگی می‌توان پروژه اسلامی سازی دانشگاه را انجام داد و... که البته همه این‌ها ان شاء الله شدنی است؛ اما نه به این سادگی که بعضی فکر و ترویج می‌کنند و فلسفه کار با برنامه‌ریزی رازیر سؤال می‌برند و البته متأسفانه وقتی این اتفاق‌ها به راحتی نیفتاد سرخوردگی و افسردگی برای مخاطب خصوصاً حزب الهی هاید می‌آید. مسئله چهارم، تظهِیر تحریک‌کنندگان غربی است. اینکه به اشتباه بگیریم مقصر چهار زیر شدن قیمت ارز خودمانیم، نه آمریکا و خودمان تعدی نمی‌خواهیم قیمت پایین بیاید، چه اثر روانی‌ای روی مردمی دارد که زیر فشار اقتصادی‌اند؟

روایت مهدی آذرپندار از سال‌های حضور در مدیرعاملی انجمن سینمای جوان

هنرمندان را کنترل کنند  
دیکتاتورهای مجازی می‌خواهند



دو برابر شدن ظرفیت حمل و نقل عمومی تهران با خرید واگن‌ها و تاکسی‌های چینی  
نیاز به ۱۷۰ میلیون یورو دارد، دولت در سال گذشته ۶ میلیارد دلار به خودروسازها  
برای خرید قطعات داده است

# دلار رؤیایی در کانال ۲۰ تومانی

ایده طیفی از اقتصاددان‌ها  
چقدر شدنی است؟

ایالات متحده امیدوار به پایه‌گذاری بنیانی مثل تشکیلات خودگردان در عراق است

آمریکا به دنبال  
ابومازن بغدادی

دکتر طهرانچی در نخستین نشست واحدهای برون مرزی دانشگاه آزاد تبیین کرد

نادان‌ها می‌گویند هزینهء  
مقاومت بیشتر از تسلیم است